



مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰

صفحه ۳ تا ۲۰

بایسته های «حفظ نظام» در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای

سید ابراهیم سرپرست سادات / استادیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی Sarparastsadat@gmail.com

چکیده

«حفظ نظام» اسلامی برای برقراری حاکمیت الهی و امکان ترجمان عملی اسلام و آموزه های آن، به مثابه خط قرمز در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی است. مقاله حاضر با پیش کشیدن پرسشی از قواعد «حفظ نظام» و بایسته های آن به مطالعه اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای پرداخت. بررسی های این مقاله با تحلیل و بررسی درونی اسناد و بازتحلیل متون و داده های مرتبط از جمله متون بلاواسطه بیانات رهبر انقلاب نشان دادند که در اندیشه سیاسی وی، «حفظ نظام» تنها با ابزارهای مشروع و موجه معنا دارد. همچنین «حفظ نظام» به حفظ گوهر آن است که در اندیشه رهبری با توجه به منافع و مصالح ملی و تشخیص درست آنها است. در نظر رهبری، «حفظ نظام» آنگاه «شدنی»، «مسئولانه» و «واقعی» است که منافع ملی ای را دنبال کند که تابع هویت ملی باشد، همچنین «حفظ نظام» در تفسیر رهبری، به «عقلانیت» است که می بایست «عدالت پایه»، «معنویت پایه» و «انقلابی» باشد. **کلیدواژه:** حفظ نظام، نظام اسلامی، حفظ مسئولانه، امام خمینی، آیت الله خامنه ای.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «درآمدی بر خطوط قرمز مردم سالاری دینی» می باشد

مقدمه

بی گمان حفظ نظام سیاسی اسلامی، بعد از استقرار و در راه تثبیت آن از خطوط قرمز سیاسی در اندیشه هر دو رهبر نظام جمهوری اسلامی است. در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظامی اسلامی با جانمایه و ویژگی های تحول خواهانه متمایز از سایر انقلاب های جهان، که خود را پاسخی به مطالبات تاریخی ملت ایران در گذار از «استبداد»، «رهایی از استعمار»، «اسلامی» و «عدالت خواه» معرفی می کرد، با امید به هدف هایی چون «دیانت درست» و «دادگری راستین» در پرتو آن، همت ها به طور طبیعی چنانکه برای حفظ هر دستاورد بزرگی انجام آن شایسته و بایسته است، به حفظ آن فراخوانده شد. این خواسته حضرت امام هم شد و در چنین بستری «حفظ نظام» برآمده از آن انقلاب اجتماعی و سیاسی را از اهم واجبات دانست و آن را از ملت و مسئولین خواستار شد: «بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیان حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۲۹) در این راستا پرسش این مقاله این است که خطوط قرمز خود «حفظ نظام» بر اساس اندیشه های رهبری چیستند و کدامند؟ بنابراین هدف اصلی این مقاله، بازشناسی خطوط قرمز «حفظ نظام» در پرتو اندیشه های سیاسی آیت الله خامنه ای است. از آنجا که اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی، ماهیتی شرعی دارد، به دست آوردن و برجسته ساختن آن محورها و مولفه ها، برای تداوم راستین و درست و جهات کلی حرکت «نظام اسلامی» ضرورتی دو چندان دارد.

روش پژوهش

مقاله حاضر بر مبنای هدف، پژوهشی بنیادی است، چون خصلت اندیشه معرفتی است و به دنبال گسترش مرزهای مفهومی و نظری است؛ مفهوم بنیادین این مقاله «حفظ نظام» است، که در پرتو مطالعه آن از قبل خطوط قرمز، به «حفظ مسئولانه نظام» ترجمان می شود. این مقاله برای دست یازیدن به هدف خود، به تحلیل و بررسی درونی اسناد و بازتحلیل متون و داده های مرتبط از جمله متون بلاواسطه بیانات رهبری انقلاب اسلامی، به توصیف، مفهوم پردازی و تبیین و توضیح آنها (دوورژه، ۱۳۷۵: ۲۶۸) و در واقع به مطالعه ای اسنادی اهتمام می ورزد. روش اسنادی طبق تعریف بیلی، تحلیل آن دسته از اسنادی است که شامل اطلاعات درباره پدیده هایی است که قصد مطالعه آن را داریم و مستلزم جست و جویی توصیفی و تفسیری است. در روش اسنادی، پژوهشگر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه های پنهان یک متن نیست. به همین دلیل، نمی توان توسعه تکنیکی روش

اسنادی را چندان به هرمنوتیک متصل کرد. در روش اسنادی، علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه های اسناد و متون یا تحلیل های تأویلی یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد. بنابراین بستر معرفت شناختی و تکنیکی در روش اسنادی بیشتر به پارادیم تفسیری نزدیک است. (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۵).

پیشینه پژوهش

مطالعات در خطوط قرمز و حفظ نظام اندک است، در عین حال در مطالعات انجام گرفته به موضوع این مقاله یعنی «خطوط قرمز حفظ نظام یا بایسته های آن» پرداخته نشده است. در اینجا به چند عنوان از آثاری که پیش از نگارش مقاله در این راستا مورد مطالعه قرار گرفته است، به عنوان ادبیات پژوهش اشاره می شود. در کتاب «خط قرمز آزادی اندیشه و بیان و حد و مرزهای آن» که نشر قطره با همکاری ناصر فکوهی و همکاران او (۱۳۷۷) منتشر کرده است، بیشتر بحث ها در ماهیت خطوط قرمز و آزادی بیان و اندیشه تمرکز دارد. اصغر افتخاری، در کتاب «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت های سیاسی»، خطوط قرمز را تحلیل محتوا کرده است، اما عمده بحث های او در این کتاب، رقابت سیاسی و امنیت است. نویسنده کتاب به درستی کانون های صادر کننده خطوط قرمز را در جمهوری اسلامی اسلامیت، جمهوریت و الگوی دولت-کشور دانسته است (افتخاری، ۱۳۸۱: ۱۲۵). محمد جواد باقی زاده و عبدالله امیدی فر (۱۳۹۳) در مقاله «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، به این نتیجه رسیده اند که اگر بین حفظ نظام و دیگر احکام شخصی یا اجتماعی تراحم واقع شود، حفظ نظام بر آنها پیشی می یابد؛ زیرا حفظ نظام از ضروریاتی است که شارع مقدس به هیچ وجه راضی به ترک آن نیست. از این رو، حاکم جامعه اسلامی موظف است در مقام تراحم حفظ نظام معیشتی مردم با امور دیگر، حفظ نظام را مقدم بدارد؛ البته تا جایی که با اساس اسلام و عدالت در تضاد نباشد. اختلال در هریک از عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، با واسطه یا بی واسطه به اختلال و وقفه در زندگی طبیعی و عادی می انجامد و برای حفظ نظام، ضرورت دارد از آن منع شود. مهدی درگاهی (۱۳۹۵) در مقاله «میان کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد»، به شناخت حدود و ثغور ادله قاعده حفظ نظام و میان کنش آن با حریم خصوصی افراد تمرکز کرده است. محسن ملک افضلی اردکانی (۱۳۹۵) در مقاله «حفظ نظام، واجبی مطلق یا مشروط؛ با رویکردی به اندیشه سیاسی امام خمینی»، نظام را معنا کرده است و از مبانی اندیشه امام بر مشروط و نه مطلق بودن وجوب

حفظ نظام رسیده است. محسن ولایتی (۱۳۹۴) در مقاله «مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی»، چنانکه عنوان مقاله بدان اشعار دارد به مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه امام، از جمله حکم حکومتی و حفظ مصلحت پرداخته است. مطالعه حاضر، افزون بر بهره گیری از آثار یاد شده و سایر نوشته های در پیوند، در تلاش برای ژرفا بخشیدن و غنای مطالعات این حوزه است. رویکرد بحث حفظ نظام در آثار مورد اشاره، بیشتر فقهی و عمدتاً در اندیشه امام خمینی تمرکز دارند، اما رویکرد غالب در مقاله حاضر، سیاسی و ساختاری است و در اندیشه مقام معظم رهبری تمرکز دارد.

چارچوب مفهومی

«حفظ نظام»، مفهوم اساسی این مقاله است که البته مفهوم جدیدی نیست و فقها همواره از آن استفاده می کرده اند. بررسی برخی از پژوهشگران نشان می دهد که «نظام» در کلمات فقها، در سه معنا به کار رفته است: گاهی منظور، سامان داشتن امور معیشتی مردم و جریان داشتن امور مردم در وضعیتی طبیعی و بدون گره و بحران است، و حفظ آن، رعایت اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اختلال در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر می افتد و دچار هرج و مرج می شود. حفظ نظام به این معنا یعنی جلوگیری از «ازهم گسستگی و اختلال امور» و «انجام هر عملی و هر نوع بحران آفرینی که یک دستی، هماهنگی و پیوستگی یک جمعیت نظام مند را از میان ببرد»، همواره مورد تأکید فقها و امام نیز بوده است. «منع از اختلال نظام» در باور امام، «بدون وجود والی و برقراری حکومت» میسر نیست. در تعبیر دوم، حفظ نظام در تألیفات معاصرین از جمله امام، به معنای حفظ کشور اسلامی و مسلمین از هجوم دشمنان، و حفظ موجودیت اسلام و مسلمانان در برابر کفار است، که با تعبیر «حفظ بیضه اسلام» از آثار نایینی شیوع یافت. و بالاخره در تعبیر سوم مقصود از نظام، حکومت یا همان نظام سیاسی، به ویژه نظام اسلامی است. معنای حفظ نظام سیاسی، در ادبیات فقها در دوره جمهوری اسلامی تداول یافت و حتی می توان با بررسی بیشتر، از یک تحول مفهومی در اینجا سخن گفت (باقی زاده و امیدی فر، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۱۷۰). به عبارت دیگر در بیشتر کلمات فقها مراد از حفظ نظام، حفظ نظام اجتماعی بوده است که مستظهر به دلایل شرعی و هم عقلی است، اما بعد از تأسیس جمهوری اسلامی به حفظ نظام جمهوری اسلامی ترجمان می شود، به این اعتبار که چنین نظامی خود، مجرای احکام الهی است، حفظ آن واجب شرعی می شود. تحول مفهومی «حفظ نظام اجتماعی» به «حفظ نظام سیاسی خاصی» در تعابیر معاصرین از فقها پراهمیت و ارزش واکاوی بیشتر دارد.

در عین حال به بیان بیشتر فقها در مقام تراحم، حفظ نظام اجتماعی بر حفظ نظام سیاسی اولویت می‌یابد، چراکه نظام سیاسی برای مراقبت از نظام اجتماعی است و نظام سیاسی، یکی از خرده نظام‌های اجتماعی اما بسیار تأثیرگذار و شاید مهم‌ترین آن است. منظور از «حفظ نظام» در این مقاله به طور مشخص، نظام جمهوری اسلامی است. این تعبیر امام آشکار است: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد (که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود) و آنچه ضرورت دارد (که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است) و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت و کلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است، و پس از رفع موضوع خودبه‌خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن؛ و باید تصریح شود که هریک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمایند، مجرم شناخته می‌شود، و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود.» (باقی زاده و امیدی فر، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۱۷۰)، «حفظ نظام اسلامی» خط قرمز است، به نحوی که حتی حاکم اسلامی می‌تواند در صورتی که حکمی از فروعات دین، باعث به خطر افتادن کیان اسلام شود و در نظام اختلال ایجاد کند، آن حکم را به طور موقت تعطیل کند و مسجدی را که ضرار باشد، در صورتی که بدون تخریب رفع نشود، خراب کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح است، مادامی که چنین است از آن جلوگیری کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۱۷۰)

چارچوب نظری: بایسته‌های «حفظ نظام» در اندیشه امام خمینی

از آنجا که یکی از منابع اندیشگی رهبری معظم انقلاب اسلامی، آرا و اندیشه‌های سیاسی امام خمینی است، مهم‌ترین عناصر «حفظ نظام» در اندیشه امام به عنوان پشتوانه نظری بحث حاضر بیان می‌گردد.

۱. «حفظ نظام»، ناظر به حکومت اسلامی مشروع دارای حاکم ذی صلاح است که وظیفه خود را حفظ اسلام و مملکت اسلامی تعریف کرده است (شریعتی، ۱۳۷۸: ۲۵۵-۲۵۴).
۲. «حفظ نظام»، ناظر به قانون اساسی مورد قبول ملت و با جریان آن است. اگر قانون اساسی که مبنای توافق است، اجرایی نشود یا حق الهی تعیین سرنوشت از ایرانیان سلب یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص مصادره شود، نظام سیاسی با محتوای خود بیگانه است و حفظ آن بی وجه است.
۳. «حفظ نظام» با اساس عدالت در تضاد نباشد (ر.ک: باقی زاده و امیدی فر، ۱۳۹۳).

۴. «حفظ نظام» با اساس اسلام در تضاد نباشد، حفظ «اسلام» از حفظ نظام اسلامی بالاتر است و کارکرد نظام برای حفظ اسلام و اجرای احکام آن و مدیریت جامعه در چارچوب موازین و مقررات اسلامی است و شاید دلیل اینکه امام، حفظ حکومت را بر تمام واجبات شرعی مقدم می داند، همین نکته است (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۴). در صورت حفظ نظام فرصت لازم برای ادای واجبات و معرفی اسلام ناب به جهان فراهم می شود، اما در صورت فقدان نظام، زمینه نابودی یا استحاله مکتبی اسلام ممکن می شود (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).
۵. عدم عبور از محرمات شرعیه در طریقت «حفظ نظام» و عدم استفاده از ابزارهای حرام قطعی؛ امام هنگامی که دانست عده ای از مجریان حکومتی به خاطر گزینش، به تفحص در زندگی خصوصی افراد می پردازند، در بیست و چهارم آذر ۱۳۶۱ طی فرمانی ۸ ماده ای خطاب به مسئولین آنان را به شدت از این کار منع کرد (در گاهی، ۱۳۹۵: ۷۸). ورود به حریم خصوصی افراد در فقه امامیه به حکم اولی حرام است. حال اگر ضرورت یا مصلحت حفظ نظام در مواردی، اقتضا کند تا همین حکم یادشده نقض شود با تغییر عنوان، ورود به حریم خصوصی افراد به حکم ثانوی جایز و در برخی فروض واجب است. البته ورود به حریم خصوصی افراد باید با علم اجمالی به اطراف شبهه و به اقتضای ضرورت و فارغ از هرگونه افشای عیوب نهان غیر از مسأله مورد تجسس و تفحص باشد (در گاهی، ۱۳۹۵: ۸۵).
۶. مطابقت با «مصالح عمومی» جامعه (در گاهی، ۱۳۹۵: ۷۹)، در واقع چنانکه پیشتر بیان شد «حفظ نظام» اسلامی، ذیل مصلحت کلی نظام اجتماع است.
۷. مشروط بودن عنوان مصلحت نظام: نخست آنکه مصلحت اندیشی های حاکم نباید با دستورات شریعت ناسازگار باشد. دوم هنگام رعایت مصلحت، موضوع عوض شده باشد که به تبع آن، حکم هم عوض شود. سوم حکم موقتی است. چهارم موجب اختلال نظام، فساد و حرج باشد که عبارت کتاب ولایت فقیه به سه شرط و کیفیت آن اشاره دارد: «حکومت در اسلام، به معنای تبعیت از قانون است. فقط قانون است که به جامعه حکم فرمایی دارد. آن جامعه هم که اختیارات محدودی از طرف خداوند به رسول اکرم (ص) و ولایت داده شده از طرف خداوند است. از این بیان استنباط می گردد که اولاً خلاف شرع صورت نگیرد و تغییر در اینگونه موارد بر اساس تغییرات موضوعات است، یعنی در وقت مصلحت موضوع عوض شده که به تبع تغییر موضوع، حکم هم عوض می شود و وقتی مصلحت امر تمام شد، خود به خود حکم هم تغییر می کند. به عبارت دیگر، تغییر حکم به طور موقت است.» (ولایتی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۰۹)

۸. حفظ حقوق مردم. در دیدگاه امام، بقای نظام منوط به حفظ و رعایت حقوق مردم است و نظام بدون مردم نمی تواند اساساً حیات داشته باشد (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۳).
۹. ممنوعیت «حفظ نظام» با دیکتاتوری: «ما بنای این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آن تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۳۴)
۱۰. ضرورت رعایت مردم و مخصوصاً مستضعفین در همه احوال: «به مجلس، دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمت گذاری به آنان خصوصاً مستضعفان، محرومان و ستمدیدگانی - که نورچشم ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و بافداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است - فروگذار نکنید و خود را از مردم و مردم را از خود بدانید.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۲) روبرگرداندن از مستضعفین و بی مبالائی در حق کوخ نشینان، استحاله ی نظام از درون و متناقض نما است.
۱۱. لحاظ مصالح جمعی، مکتب، امت اسلامی، کشور و کیان اسلامی [و نه مصلحت فرد و افرادی خاص] «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر (عج) هم خودش را فدا می کند برای اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۶۵). چنانکه در بخشی از اصل پنجاه و ششم قانون اساسی هم چنین آمده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.»
۱۲. مراعات مصلحت مردم، منافع عمومی و منافع ملی؛ هرچند از این منظر برخی معتقدند: نظام اسلامی میانه ای با دولت مدرن ندارد، چرا که چنین نظامی می تواند منافع ملی و مردم و کشور را قربانی منافع ایدئولوژیکی و مذهبی خود کند و آن را موجه سازی کند، این البته همواره محل بحث و نظر بوده است، در عین حال می توان گفت که لحاظ این نوع مصالح در کلیت خود مقبول رهبران ایدئولوژیکی نیز است، حتی نظریه ام القری بودن ایران و لحاظ مصالح و منافع آن به عنوان دولت سرمشق در همین زمینه سربرآورد، در عین حال موارد خروج از این اصل، و چرایی آن می تواند به طور موردی مورد پژوهش قرار گیرد.

«حفظ نظام» و بایسته های آن در اندیشه رهبری

در بیان رهبری، «نظام سازی» بر اساس فقه هم کار جدیدی است و هم برای نخستین بار توسط امام خمینی صورت گرفت: «قبل از ایشان کس دیگری از این ملتقطات فقهی در ابواب مختلف، یک نظام به وجود نیاورده بود. اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - توأماً - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۰/۶/۱۷) در تعریف رهبری، «نظام اسلامی اشخاص و افراد نیست، بلکه نظام آرمان‌هاست.» (بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱) «امام یک وقت می فرمود: «نظام اسلامی به من وابسته نیست!» ما واقعاً تعجب می کردیم، چون امام خالق این انقلاب و در واقع پدیدآورنده این نظام بود و واقعاً تفکیک بین بقای امام و بقای نظام هم برای ما مشکل بود؛ اما امام قُرص و محکم می گفت نخیر، نظام اسلامی به من وابسته نیست.» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲/۳/۷) از این رو، حفظ نظام را حفظ ارزش ها و آرمان های آن مانند «عدالت»، «پیشرفت»، «معنویت»، «علم»، «اخلاق»، «مردم سالاری»، «قانون گرایی» و «آرمان گرایی» می داند: «حفظ نظام، یعنی حفظ همه‌ی ارزش هایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها می داند.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲) برای رهبری نیز به پیروی از امام، «حفظ نظام»، برتر و با اهمیت تر از هر واجبی است. رهبری، بیشترین پشتکار امام را در دو امر دانسته است: «پاسداری از جمهوری اسلامی و مراقبت از جهت گیری راست و درست آن» (بیانات در اولین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۶۹)، شاید بتوان این هر دو را به «حفظ مسئولانه نظام» تعبیر کرد که در اندیشه رهبری، با لحاظ چند اصل، ترجمان و توضیح بیشتر و عینی تر می یابد:

۱. با ابزاری دانستن حکومت و ابزارها و روش های قانونی، روا و پذیرفته

منظور رهبری نیز از حفظ نظام، حفظ نظام سیاسی خاص یعنی جمهوری اسلامی است، رهبری در این زمینه نظام و نظام سازی را امری ایستا نمی دانند، بلکه در این راستا بر متمم نظام سازی به این بیان باور دارند: «نظام سازی - که گفتیم امام بزرگوار ما براساس مبانی فقهی، نظام سازی کرد - یک امر دفعی و یکباره نیست؛ معنایش این نیست که ما یک نظامی را براساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط، و این تمام شد؛ نه، اینجوری نیست. نظام سازی یک امر جاری است؛ روزه روز بایستی تکمیل شود، تتمیم شود. ممکن است یک جایی اشتباه کرده باشیم، اما مهم این است که ما براساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم، خودمان را اصلاح کنیم؛ این جزو متمم نظام سازی است.» (بیانات

در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۰/۶/۱۷) همچنین در اندیشه رهبری، هرچند «حفظ نظام» برای تحقق غایت های آن مانند ساختن انسان و جامعه اسلامی واجب است، اما به هر قیمتی و جاهت نمی یابد. از نظر رهبری، روش ها نیز به اندازه ارزش ها پراهمیت هستند. در این صورت و در اینجا شاید بتوان آن را «روش های ارزشی» خواند که همان روش های قانونی، روا و پذیرفته باشند. در اسلام روش ها نیز به اندازه ارزش ها اهمیت دارند. از این رو «حفظ نظام»، زمانی مسئولانه است که ابزارهای حفظ آن نیز موجه باشند و آن به مشروع و عادلانه بودن آنها است، و البته تنها ابزارهای «قانونی»، مشروع و عادلانه هستند. بحث ابزار آنگاه بیشتر جلوه می کند که بدانیم اساساً خود حکومت نیز در مکتب ما یک «راه و روش» است و با یادی از این دیالوگ درخشان فیلم سینمایی دوئل: «مقام نداره، اما مسئول منم» در اینجا، بایستی تأکید کرد که: «امیرالمؤمنین برای حکومت یک شأن واقعی قائل نیست؛ حکومت برای علی (ع) یک هدف نیست؛ برای او، حکومت ارزشی ندارد، باز هم حاضر نیست برای به دست آوردن یک مقام، یک جاه، از ارزش ها بگذرد؛ اما وقتی احساس می کند که وظیفه است، احساس می کند زمینه آماده است و او می تواند این نقش عظیم و اساسی را بر عهده بگیرد، آن وقت قبول می کند.» (خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۳/۲۲) از نظر رهبری، این بیان امیرالمؤمنین (ع) بعد از پذیرش خلافت که اگر وظیفه ی من با توجه، قبول، بیعت و خواست مردم بر من آشکار و منجز نمی شد که در مقابل ظلم بایستم و با تبعیض مبارزه و از مظلوم دفاع کنم، باز هم آن را قبول نمی کردم، به این معناست که: «من قدرت را به خاطر قدرت نمی خواهم.» در مکتب علوی: «اگر قدرت برای مبارزه با ظالم در همه ی ابعاد ظلم و ستم - داخلی، اجتماعی و اقتصادی که حادث تریش است - باشد، خوب است» (بیانات در دیدار دانشگاهیان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶)؛ یعنی مثل همه ابزارها به اعتبار کارکرد و اهداف خوبش، خوب است و بنابراین اصل، جهت گیری قدرت است و در قدرتهای الهی و معنوی، جهت گیری اصلی نجات انسان از منیت ها است (بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران، ۱۳۷۸/۸/۲۲). بنابراین «حفظ نظام» با ابزارهای غیر قانونی به معنای دگرگون ساختن آرمان ها و هدف شدن خود حکومت و ورود در حوزه ممنوعه ی «قدرت برای قدرت» بر اساس اندیشه های رهبری است. از این رو رهبری ضمن جانبداری از برخورد های قانونی تأکید کردند که: «خشونت غیرقانونی، نه فقط بد است، بلکه جنایت است و باید با آن مقابله شود.» (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶)

۲. با توجه به منافع ملی تابع هویت ملی

توجه به منافع، مصالح و عزت ملی و تشخیص درست آنها از بایسته های حفظ مسئولانه مردم سالاری دینی است. منافع ملی همیشه جزء خطوط قرمز حکومت ها محسوب می شود و هیچ دولتی حاضر به معامله و حتی ریسک بر سر آن نیست. در اندیشه رهبری، مسأله [به باور برخی] یا مسأله نمایی [از نظر برخی دیگر] تقابل منافع ملی با وجهه ایدئولوژیکی نظام اسلامی با شناخت حقیقی منافع ملی پاسخ می یابد. از نظر رهبری کسانی که قائل به تقابل منافع ملی با وجهه ایدئولوژیکی نظام اسلامی هستند، «هویت اسلامی» را اساساً در تقابل با «هویت ملی» معنا می کنند. از نظر رهبری، هویت تاریخی و تمدنی ایرانیان در کنار هویت و باورهای دینی و ارزشی آنها که برگرفته از اسلام است، به منافع ملی ایرانی ها معنا می دهد و آنها را تعریف می کند و این دو رویاروی یکدیگر نیستند، بلکه در راستای هم هستند: «هر چه با اسلام ما، با انقلاب ما، با گذشته و سابقه تاریخی دیرینه ی ما، معارضه داشته باشد، جزو منافع ملی به حساب نمی آید» (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲)، هر چند گمان بر این رود که این واجد سودی یا منفعتی برای ملت است. از نظر رهبری، پایه تصمیم گیری برای همه دولت ها، فراهم کردن منافع ملی؛ چه کوتاه مدت و چه بلندمدت است، اما تعریف آن، شناسایی آن و مصادیق آن اساسی تر است. رهبری، منافع را آن وقت منافع ملی می داند «که با هویت ملی ملت ایران، با هویت انقلابی ملت ایران در تعارض نباشند. آن وقتی منافع واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند، والا آنجایی که ما چیزی را به عنوان منافع ملی در نظر می گیریم لکن هویت ملی را پایمال می کنیم، قطعاً اشتباه کرده ایم، این منافع ملی نیست.» از نظر رهبری، از قبل از دوران پهلوی یعنی از اواخر دوران قاجار هویت ملی پایمال چیزهایی شد که به عنوان منافع ملت ایران به نظر مدیران و تصمیم گیران و تصمیم سازان می رسید و آن را اجرا می کردند. از نظر رهبری: «منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد.» از نظر رهبری، اینها نه منافع ملی که «منافع تخیلی» یعنی همان پیشرفت در شرایط فرنگی شدن از فرق سر تا ناخن پا و به بهای از بین رفتن هویت ملی است (بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲). از نظر آیت الله خامنه ای، جدایی از هویت ملی، نیست کردن ملت و گسستن او از سابقه تاریخی، فرهنگ غنی و قوی، اعتقادات و سرمایه های گوناگون معنوی آن است، از نظر رهبری، حتی در چنین شرایطی هم که در دوره پهلوی به اوج خود رسید نیز هرگز منافع ملی تأمین و برآورده نشد و کشور به خاطر از دست دادن هویت واقعی خود، با این همه سرمایه و امکانات هرگز راه خود، پیشرفت متناسب با شأن خود و هویت اش را

نیافت. انقلاب اسلامی در نگاه آیت الله خامنه ای، این مسیر را تغییر داد و به دلیل پافشاری بر هویت ملی، کشور را در مسیر پیشرفتی محسوس و حرکتی رو به جلو قرار داد. رهبری، هویت ملی را بر اساس «اسلام»، «عمق تاریخی» و «انقلابی بودن» تعریف می کند: «اسلامی بودن ما یعنی ارزش ها و اصول اسلام، تشکیل دهنده ی هویت ما است. ریشه داری ما در تاریخ یعنی نیروهای انسانی ما در طول تاریخ، دارای افکار بلندی بوده اند - در بخش های مختلف: در فلسفه، در علم، در فناوری- و در طول تاریخ به حسب موقعیت زمانی، کارهای بزرگی را انجام داده اند و به بشریت حرکت داده اند» و «انقلاب، بخش مهمی از هویت ما است. انقلاب یعنی آن حرکت تحولی عمیقی که با تکیه ی به اسلام توانست وضعیت کشور را عوض کند.» (بیانات در دیدار مسئولین نظام، ۱۳۹۶/۳/۲۲) «حفظ نظام» در اندیشه رهبری، آنگاه شدنی، مسئولانه و واقعی است که منافع ملی ای را تعقیب کند که تابع هویت ملی باشد.

۳. با عقلانیت

عقلانیت، به معنای شناخت اصالت ها، تکیه به مردم و نیروهای داخلی و تکیه و توکل به خدای بزرگ (بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴)، «مهم ترین ابزار کار» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵) و «از پایه های اصلی جامعه ی اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت» (بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۱۳۹۰/۴/۹) است. از نظر رهبری، مکتب امام خمینی نمونه کامل عقلانیت است؛ برخی مظاهر عقلانیت در کنشگری امام عبارت بودند از: انتخاب مردم سالاری و تکیه بر آرای مردم، سرسختی و عدم انعطاف در مقابله با دشمن مهاجم، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت، مأموریت به خبرنگاران برای تدوین قانون اساسی، رفراندوم قانون اساسی و اینکه به مردم تفهیم کرد صاحب مملکت خودشان هستند (بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۹۰/۳/۱۴). «انقلاب اسلامی [نیز]، نتیجه ی گفتمان عقلانیت و محاسبه و تحلیل عقلانی مردم انقلابی بوده است.» (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸) این عقلانیت، اساس حکومت اسلامی است و می تواند به «حفظ مسئولانه» آن و تداوم حاکمیت دینی منجر شود. عناصر عقلانیت در مکتب امام «معنویت، عقلانیت و عدالت» (بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی، ۱۳۹۰/۳/۱۴) است، که اساس تدبیر و برنامه او در بنای نظم مدنی-سیاسی بوده است، البته «این ها را باید با هم دید. تکیه ی بر روی یکی از این ابعاد، بی توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می کشاند، به انحراف

می برد. این مجموعه، این بسته ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه ی وجود متوجه به بعد عدالت بود. (بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی، ۱۴/ ۱۳۹۳/۳) این باهم بودن از جمله به معنای باهم بودن «فرد و جامعه»، «شریعت و عقلانیت» و «عاطفه و قاطعیت» و باهم دیده شدن آنها همه در کنار هم است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲). برخی عقلانیت را در اندیشه رهبری بر اساس سه گزاره ی «معنویت گرایی»، «تحول گرایی» و «ارزش گرایی» بازشناسی کرده اند. ویژگی های عقلانیت در اندیشه رهبری از جمله عبارتند از: عقلانیت خاصیت محاسباتی و اولویت گذاری در تصمیم گیری دارد، مبتنی بر قواعد منطقی و استدلالی بوده و مورد پذیرش عقل سلیم است، صرفاً به قواعد مادی و عقلی انسان منحصر نیست و قواعد معنوی نیز در آن اثرگذار است، و بالاخره اینکه تحول خواه و نوگرا است و هیچ گاه به وضعیت موجود رضایت نمی دهد و همواره به سوی وضعیت مطلوب تری در حرکت است (موسوی نیا، ۱۳۹۹). مستند به آنچه که گفته آمد، «عقلانیت» همان تکیه بر خرد و هوشمندی، به کار گرفتن تدبیر و فکر و محاسبات، سنجیدگی در کارها و لحاظ همه جوانب امر در تصمیم سازی ها و شناخت جامع برای اقدام مناسب و متناسب است، «معنویت پایه»، «عدالت پایه» و «انقلابی گرایانه» است، که همچنین الگوی «حفظ مسئولانه نظام» است.

۳-۱. عقلانیت معنویت پایه

عقلانیت بری از معنویت اسلامی، در این اندیشه محلی از اعراب ندارد، چرا که «معنویت روح کار است.» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵) مراد از معنویت، معنویت اسلامی و قرآنی یعنی ارتباط با خداوند و سلوک معنوی، توجه، خشوع و ذکر، ایمان به کمک الهی و امید پایان ناپذیر به خداوند (بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی، ۱۴/ ۱۳۹۳/۳)، اخلاص، کار برای خدا، انجام تکلیف الهی با تشخیص درست تکلیف، حسن ظن به خداوند، استمداد از خداوند و توسل و تضرع، اخلاق الهی، دوری از گناه، تهمت، سوء ظن، غیبت، بددلی و جداسازی دل ها از یکدیگر است (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۹۰/۳/۱۴). این معنویت، روح کنشگری سیاسی و عقلانیت امام خمینی، آزادی او و دلیل توفیق مکتب امام بوده است. «عقلانیت معنویت پایه» همان اسلام عقلانیت است: «اسلام تدبیر و تفکر، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار و

اسلام اقدام.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰) با چنین وصفی از معنویت جای این سوال وجود دارد که: «آدم معنوی ای که با ظلم می سازد، با طاغوت می سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می سازد، این چطور معنویت است؟» (۱۳۸۴/۶/۸) در عین حال اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، به یک شعار توخالی تبدیل می شود، [چنانکه] خیلی ها حرف عدالت را می زنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می کند (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶) معنویت با عدالت و عدالت با معنویت است که آنها را در ترکیبی همسان به هم می رسانند و عقلانیت آنها را می نمایاند.

۲-۳. عقلانیت عدالت پایه

«عدالت جهت دهنده و ارزش گذار کارها» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۸۳/۵/۲۵) است. رسیدگی به طبقات محروم و به پابرهنگان و کوخ نشینان در کنار پرهیز از اشرافی گری مسئولین، ارتباط نزدیک مسئولین با مردم و بهره مندی اقصی نقاط کشور از خدمات عمومی، انتخاب مسئولین از بین مردم، احتراز از بلای هزار فامیلی قاجار و پهلوی، تکیه نکردن بر ثروت و قدرت برای گرفتن مسئولیت، برخی از مظاهر عقلانیت عدالت پایه در اندیشه امام با بیان رهبری هستند (بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی، ۱۴/۳/۱۳۹۳). در عدالت، عقلانیت شرط اول است که اگر عقلانیت در عدالت نباشد و در باب عدالت محاسبه درستی نباشد، می تواند به ضد خودش تبدیل شود (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶). «احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کارگرفتن خرد و علم در بخش های مختلف تا بفهمید چه چیزی می تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادای می دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند.» (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸) شرط دیگر آن معنویت است، «معنویت و عدالت در هم تنیده است.» (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸) اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل به ظاهرسازی و ریاکاری می شود (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲). «عدالتهی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام های کمونیستی که شعارشان عدالت بود.» (۱۳۸۴/۶/۸) به طور کلی، عقلانیت با عدالت و معنویت، عقلانیت

است و عدالت با «عقلانیت و معنویت»، عدالت است و الا یا به ضد خودش تبدیل می شود یا یک شعار تو خالی است، مگر می شود عدالت را به نام غیر خدا و جز برای رضایت خدا اساساً تحقق بخشید؟ عدالت جز از دستان بندگان صالح و درست اندیش خداوند بر نمی آید، انگیزه خدایی و معنوی، بر آیند عقلانیت معنوی است که می تواند عدالت به بار آورد.

۳-۳. عقلانیت انقلابی گرایانه

از نظر رهبری، راه حفظ مسئولانه نظام و تداوم حاکمیت دینی و اساس حکومت اسلامی «عقلانیت انقلابی گرایانه» است. عقلانیت انقلابی گرایانه در برابر عقلانیت محافظه کارانه است: «تا می گویم محاسبه و عقلانیت، عده ای می گویند، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ نبادا یک حرف آن چنانی بزنید که در دنیا آن طوری بشود؛ نبادا یک کار آنچنانی بکنید که دنیا صف آرای می کند. اینها عقلانیت محافظه کارانه است؛ من به این اصلاً اعتقاد ندارم.» (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸) همچنین در برابر عقلانیت منهای انقلاب است: «گاهی اوقات بعضی در مقابل شعارهای انقلاب، عنوان و مفهوم عقلانیت را مطرح می کنند؛ کانه عقلانیت نقطه ی مقابل انقلابی گری است؛ نه، این خطا است؛ عقلانیت واقعی هم در انقلابی گری است. نگاه انقلابی است که می تواند حقایق را به ما نشان بدهد.» (بیانات رهبری در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴) رهبری، عقلانیت مورد نظر رئالیست ها را که از نظر وی اهداف انقلاب را به چالش می کشد، مردود می شمارد و آن را با منافع ملی و آرمان های انقلاب ناسازگار می داند. رهبری «بزرگ ترین درسی [را] که امام بزرگوار به ما داد، درس روحیه و ذهن و عمل انقلابی» (بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴) دانسته و آن را چنین تعریف می کند: «مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرت های مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار بدهند؛ [و] کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را بخورند...» این ها معنای انقلابی گری است.» (بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴) رهبری در واکنش به این باور برخی که چالش با قدرت ها را هزینه زا می دانند و عقلانیت را در ترک آنها می دانند، بیان می دارد: «بله، چالش هزینه دارد، اما سازش هم هزینه دارد.» رهبری هزینه چالش عقلانی، منطقی و با اعتماد به نفس را به مراتب کمتر از هزینه ی سازش می دانند، چرا که به باور وی،

قدرت‌های توطئه‌گر و قدرت‌های متجاوز به یک حدی قانع نمی‌شوند و خواسته‌های آنها مرز نمی‌شناسد و پایان نمی‌پذیرد (بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۶/۳/۱۴). از نظر آیت الله خامنه‌ای، «ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن اسمش عقلانیت نیست، اسمش همان ترس و فرار و مانند اینها است، عقلانیت یعنی محاسبه درست.» (بیانات در ارتباط تصویری با مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۳۹۹/۷/۲۱)

مصادیق عقلانیت انقلابی گرایانه

برآیند عقلانیت انقلابی گرایانه، «بصیرت»، «قدرت تحلیل بالا و صحیح»، «دشمن شناسی»، «تحلیل‌های فراجناحی، شناخت و تشخیص درست مسأله‌ها و اصل و فرع کردن آنها» است (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۳/۵/۱)، همچنین «ناکام گذاردن دشمن در سوءاستفاده از هرگونه اقدام بازیگران سیاسی داخلی» است. این خود، «خط قرمز بازیگری سیاسی» در نظر رهبر انقلاب است: «گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند...، اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.» (بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۲/۳۱) نه تنها بازیگران سیاسی ما نباید مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرند، بلکه باید با کاربست عقلانیت انقلابی خطوط قرمز دشمنان را نیز در هم شکنند: «دانشگاه و دانشجو امروز آماج بزرگ‌ترین توطئه‌ها است؛ از اینکه ما دانشگاهی داشته باشیم که دانشجوی آن، استاد آن با روحیه‌ی انقلابی، با روحیه‌ی تهاجمی وارد میدان بشود، خط‌های قرمز را که دشمن‌ها برایش درست کرده‌اند به هم بزنند، پیش برود، کشور را پیش ببرد، پرچم علم را بالا ببرد، شعارهای انقلابی را پررنگ کند وحشت دارند...، آن چیزی که... دنبالش هستند این است که تفکرات در درون عناصر فعال و هوشمند و نخبه در یک کشور جواری بشود که اهداف آنها را برآورده کند؛ دارند برای این سرمایه‌گذاری می‌کنند.» (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰) همچنین برآیند عقلانیت انقلابی گرا در نظر رهبری، دیپلماسی انقلابی و چشم‌پوشی نکردن از شعارهای انقلابی است: «دیپلماسی پخته‌ی

به بلوغ رسیده‌ای وجود دارد که شعارهای انقلابیش را در همه جای دنیا سر دست خود می‌گیرد و از موضع عزت، با همه کشورها هم روابط صحیح و سالمی برقرار می‌کند. ما شعارها و منش و راه انقلاب را بر هر چیز دیگر ترجیح می‌دهیم؛ ما کشور و ملت بزرگی هستیم. ما در نقطه‌ی مهمی از دنیا قرار داریم. ما روی ملت‌های جهان تأثیر داریم. ارتباط داشتن با برخی یا بسیاری از کشورها، هیچ هم مستلزم این نیست که از شعارهای انقلابمان برگردیم.» (بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران ج. ا. ایران، ۱۳۶۹/۵/۱)

جایگاه «عقلانیت انقلابی گرایانه» چونان سبک زندگی برای رهبری است. آیت الله خامنه‌ای، با برجسته سازی ویژگی‌هایی چون «شجاعت»، «تدبیر» و «انقلابی گری» برای فرمانده سپاه قدس سپهبد قاسم سلیمانی در همه عرصه‌ها از نبرد تا سیاست و بعد از شهادت تاریخ سازش او را گواه راست عقلانیت انقلابی گرایانه دانست. از نظر رهبری: «انقلابی گری خط قرمز قطعی آقای سلیمانی بود.» (بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸)

از نظر رهبری، محتوای عقلانیت، منطبق بر ارزش‌های دینی و از وجوه اصلی اندیشه اسلامی است. آنچه که در ادبیات رهبری در چارچوب «نقطه مقابل» عقلانیت بیان شده اند، چنان پراهمیت هستند که می‌توانند به مثابه خطوط قرمز محل توجه قرار گیرند که از جمله: «منفعت طلبی افراطی» (۱۳۸۴/۲/۱۹)، «چشم‌انداز نداشتن در کارها و عدم دوراندیشی» (۱۳۶۸/۴/۲۵)، «تجبر و عدم انطباق با نیازهای زمان» (۱۳۷۶/۱۱/۹)، «تقلیدگرایی» (۱۳۷۶/۷/۳۰)، «خودخواهی و غفلت از مصلحت عمومی جامعه» (۱۳۷۱/۲/۲۳)، «معنویت گریزی» (۱۳۸۹/۱/۹)، «محافظه کاری» (۱۳۸۴/۶/۸)، «خودتحقیری و عدم اعتماد به نفس» (۱۳۹۰/۳/۱۴)، «قانون شکنی و ساختار گریزی» (۱۳۸۸/۳/۲۹)، «سازش کاری با منطق ظلم و سلطه» (۱۳۶۸/۶/۲۲) و «عدم صداقت» (۱۳۸۲/۹/۲۶) (موسوی نیا، ۱۳۹۹).

نتیجه گیری

«حفظ نظام» از مضامین پیاپی و واژگان نام آشنای فقها است که در اندیشه امام خمینی به عرصه سیاسی کشیده شده و از برجسته ترین فرض‌ها شمرده شده است. در اندیشه سیاسی - فقهی امام خمینی، آن گاه که منظور از نظام، «نظام اسلام» باشد، وجوب حفظ آن مطلق و بی هیچ قید و شرطی است و شایسته است با تأسی به سیره بزرگان دین است. از نظر امام، حفظ نظام جمهوری اسلامی - مشروط بر پابندی به اهداف و آرمان‌های خود که بر مبانی و آموزه‌های دینی استوار شده است - در حکم حفظ نظام اسلام است (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۹۵: ۲۷). ماهیت نظام از نظر امام خمینی به مشروعیت الهی آن، امام اسلام شناس

و دادگری در رأس آن، اجرای قانون اساسی، عدالت محوری، اسلام خواهی، عدم عبور از محرمات شرعیه در طریقت حفظ نظام و عدم استفاده از ابزارهای حرام قطعی، مطابقت با مصالح عمومی جامعه، مشروطیت مصلحت، پاسداشت و تحقق حقوق مردم، عدم شائبه دیکتاتوری، رعایت مردم و خاصه مستضعفین، لحاظ مصالح جمعی، مکتب، امت اسلامی، کشور و کیان اسلامی و نه مصلحت فرد و افراد خاصی و مراعات مصلحت مردم، منافع عمومی و منافع ملی است. بایسته های «حفظ نظام» در اندیشه آیت الله خامنه ای نیز در دامن نظری الگوی اندیشگی امام خمینی، تنها با ابزارهای مشروع و موجه معنا می یابد، چرا که حکومت خود نیز «مقصودی» برای تحقق بخشیدن به «مقصود» «الی الله المصیر» بوده است و چون میان غایت و ذی غایت یک رابطه طبیعی و تکوینی وجود دارد، منهج و ابزارها نیز، نباید ضد سیاست معطوف به «سعادت» و «نجات» و غایت راستین آن باشند، همچنین حفظ نظام به حفظ ماهیت آن است که در اندیشه رهبری با توجه به منافع و مصالح ملی و تشخیص درست آنها به دست می آید. در واقع «حفظ نظام» آنگاه شدنی، مسئولانه و واقعی است که منافعی را دنبال کند که هم سنخ هویت ملی باشد. همچنین حفظ نظام به «عقلانیت» در تفسیر رهبری است که «عدالت پایه»، «معنویت پایه» و «انقلابی» است. در هر حال، حفظ نظام سیاسی جمهوری اسلامی در نظر هر دو فقیه، واجب شرعی است، اما نظام سازی دفعی صورت نمی گیرد، از این رو، برپایی یک نظام سیاسی، شرط بنیادین برای بارور شدن ظرفیت های نهفته در آن و آرمان های آن است، از این رو هم حفظ نظام سیاسی از اهم واجبات است، تا با استقرار حقیقی نظام یعنی تبدیل شدن به دولت اسلامی، فرصت ظهور و بروز و جامعه پردازی و تمدن سازی را بیابد. همچنین باید فرصت شناختن درست مسأله ها، اولویت یافتن مسأله نماها، شناختن اولویت ها، انتقادهای غیرمنطقی و یا بازی در زمین معارضین مکتب و کشور گرفته شود. از راه های منطقی و فهم صواب «حفظ نظام»، درست معنا کردن آن، چنانکه این نوشته آن را به «حفظ مسئولانه نظام» ترجمان کرد و مهم دانستن آن است، و هم عرصه های انضمامی چون کوشش برای پایه گرفتن نظام، کارآمدی ها و بالا بردن سطح رضایت همگانی است. مسئولیت «حفظ مسئولانه نظام»، بیشتر از همه، بار گران کسانی است که در نظام مسئولیتی را می پذیرند، همت آنها باید مصروف «اعلای معالی» دین و دنیای مردم، کارایی نظام اسلامی و آبادانی کشور شود، که این سترگ راه «حفظ نظام» است.

منابع و مأخذ:

افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) **درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت های سیاسی**، تهران: فرهنگ گفتن، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.

امام خمینی (۱۳۸۵) **صحیفه امام**: مجموعه آثار امام خمینی: بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

باقی زاده، محمد جواد و عبدالله امیدی فر (۱۳۹۳) «ضرورت حفظ نظام و منع اختلال در آن در فقه امامیه»، **شبهه شناسی**، دوره ۱۲، شماره ۴۷، پاییز: ۲۰۰-۱۷۰.

شریعتی، روح الله (۱۳۷۸) **قواعد فقه سیاسی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان منش (۱۳۹۴) «مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، **راهبرد فرهنگ**، شماره ۲۹، بهار: ۶۲-۹۱.

درگاهی، مهدی (۱۳۹۵) «میان کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد»، **پژوهش های حفاظتی و امنیتی**، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز: ۸۹-۷۱.

دوورژه، موریس (۱۳۷۵) **روش های علوم اجهت های**، ترجمه ی خسرو اسدی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

فکاهی، ناصر و دیگران (۱۳۷۷) **خط قرمز، آزادی اندیشه و بیان و حد و مرزهای آن**، تهران: قطره.

ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۵) «حفظ نظام، واجبی مطلق یا مشروط؟ با رویکردی به اندیشه سیاسی امام خمینی»، **سیاست متعالیه**، سال ۴، شماره ۱۲، بهار: ۴۴-۲۷.

موسوی نیا، سیدمهدی (۱۳۹۹) «مفهوم پژوهی «عقلانیت» در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای؛ چه چیزی عقلانیت است؟»، **پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای**.

نورمحمدی، مرتضی (۱۳۹۴) «مرجع امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی»، **آفاق امنیت**، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار: ۱۵۳-۱۳۵.

ولایتی، محسن (۱۳۹۴) «مبانی فقهی حفظ نظام در اندیشه سیاسی امام خمینی»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، شماره ۴۲: ۱۱۶-۹۹.

<http://www.imam-khomeini.ir>

<https://www.leader.ir/fa/archive?topic=speech>